

### معرفی مختصر دهه به لحاظ تاثیر عوامل علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر حوزه برنامه درسی

در مقایسه با دهه‌ی ۱۹۲۰، دهه ۱۹۳۰ در جوی محتاطانه، سرشار از ناامیدی، و احساس نیاز به کار و فعالیت جدی تر آغاز شد. بحران مالی بانک‌ها باعث شد بسیاری از آمریکایی‌ها از داشتن پس انداز در زندگی خود محروم شوند و میلیون‌ها نفر شغل و خانه خود را از دست داده و در جستجوی داشتن یک سرپناه و غذای کافی بودند. در زمان آغاز به کار ریاست جمهوری فرانکلین روزولت در سال ۱۹۳۲، تولید صنعتی در حدود ۵۰٪ از آنچه قبل از رکود بزرگ<sup>۲</sup> (یک دهه پیش از شروع جنگ جهانی دوم) شاهد آن بودیم، کاهش یافته بود. این در حالی است که برای کسانی که می‌توانستند کار پیدا کنند دستمزدهای بیش از نصف قبل کاهش پیدا کرده بود و حدود ۱۲ میلیون نفر هم بیکار بودند. این شرایط زندگی بسیاری از افراد را متحول نمود. در همین زمان تظاهرات به شیوه‌ای خشونت‌آمیز سرکوب می‌شد و به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی بود که رسانه‌ها آمار تعداد کودکان بی‌خانمان سرگردان در خیابان‌های نیویورک را بالغ بر هفتاد هزار نفر برآورد کردند. روزولت در اوج دوران رکود بزرگ و در سال ۱۹۳۳ به رهبری حزب دمکرات بازگشت. او برای مواجهه با این وضعیت و برای حل معضل بیکاری وعده «معامله جدید<sup>۳</sup>» را داد. او قانون کوتاه مدتی با عنوان «بهبود ملی<sup>۴</sup>» تدوین کرد، نیروهای حفاظت مدنی را شکل داد و مراکز مدیریت فعالیت‌های عمومی را برای مبارزه با بیکاری، کمک به کشاورزان و رفع افسردگی اجتماعی تأسیس نمود.

این بحران فقط خاص آمریکا نبود بلکه کشورهای اروپایی هم در رکود اقتصادی عظیمی فرورفته و رهبران سیاسی جدیدی روی کار می‌آمدند. از جمله این رهبران موسولینی در ایتالیا و همچنین قدرت گرفتن حزب سوسیالیست ملی در آلمان بود که در نهایت به نازیسم ختم گردید. در سال ۱۹۳۶ هیتلر و موسولینی محور رم-برلین را برای تحکیم فاشیست ایجاد کردند و چنین شرایطی بود که آلبرت انشتاین و دیگران برای بهره‌مندی از آزادی‌های فکری و سیاسی اقامت در آمریکا را ترجیح دادند. در آسیا هم ژاپن به دنبال ایجاد هرج و مرج در چین بود و با استقرار ارتش ژاپن در میچوری، یک پایگاه عملیاتی در قاره آسیا هم شکل گرفت.

در فاصله زمانی در حوزه ادبیات هم کارهای بزرگی انجام شد. سینکلر لوئیس<sup>۵</sup> اولین آمریکایی است که به دلیل تفسیرهای اجتماعی قوی خود برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۳۰ شد. در سال ۱۹۳۰ دیل کارنگی کتاب‌های «بهترین فروشنده»<sup>۶</sup> و «چگونه به پیروزی دوستان کمک و بر مردم اثر بگذاریم»<sup>۷</sup> منتشر ساخت. در زمانی که اسپانیا در جنگ داخلی غوطه‌ور شده بود، ارنست همینگوی با به تصویر کشیدن امور جنگ، اثر خود را با عنوان «داشتن و نداشتن»<sup>۸</sup> در سال ۱۹۳۷ منتشر ساخت. از آثار دیگر این دوره می‌توان به رمان «تهوع»<sup>۹</sup> اثر فیلسوف و رمان نویس فرانسوی ژان پل سارتر در سال ۱۹۳۷، رمان «چشم‌های به خدا دوخته شده»<sup>۱۰</sup> اثر زورا نیل هرستون فرهنگ شناس آمریکایی آفریقایی تبار در سال ۱۹۳۷، کتاب‌های «موش‌ها و آدم‌ها»<sup>۱۱</sup> و «خوشه‌های خشم»<sup>۱۲</sup> اثر اشتاین بک در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۹ که وضعیت اسفبار دوران نامنی و جنگ را ترسیم می‌کنند. از جمله آثار

۱. j\_salimi2003@yahoo.com

۱. هیأت علمی دانشگاه کردستان

2. Great Depression

3. New Deal

4. National Recovery Act

5. Sinclair Lewis

6. Best-Seller

7. How To Win Friends And Influence People

8. To Have And Have Not

9. Nausea

10. Eyes Were Watching God

11. Mice And Men

12. The Grapes Of Wrath

ارزشمند دیگر این دوره همچنین می‌توان به کتاب «شب‌زنده‌داری فینگن‌ها»<sup>۱</sup> اثر جیمز جوینز و کتاب «خاک خوب»<sup>۲</sup> کتاب نخست از رمانی سه گانه، نوشته پرل باک<sup>۳</sup>، بانوی نویسنده آمریکایی و برنده جایزه نوبل، در ۱۹۳۰ اشاره نمود.

### شناسایی تعداد آثار مکتوب دهه و توصیف مختصر آثار مهم

آثار مکتوب در این دهه از سال ۱۹۳۰ الی ۱۹۳۹ تعداد ۱۴۴ کتاب بود که به ترتیب ۷، ۱۸، ۱۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۴، ۱۹، ۱۵ و ۱۵ کتاب در هر سال بوده است. که در ادامه بارزترین آنها معرفی می‌شوند. سه نحله فکری دهه ۱۹۳۰ را می‌توان اینگونه معرفی کرد: جریان فکری رفتارگرایان اجتماعی<sup>۴</sup> که توسط باییت، چارترز، اسنادن، فینی و دیگران بنا نهاده شد. افرادی چون دیویی، کلیاتریک، کانت، راگ، شوماخر و دیگران که در چارچوب اندیشه تجربه‌گرایی<sup>۵</sup> تعریف می‌شوند و نهایتاً سنت گرایان عقلگرا<sup>۶</sup> با افرادی چون بیگلی، موریسون، هورن، و راسل آغاز شده و به نام آنها شناخته می‌شود.

اندیشه برنامه درسی در دهه ۲۰ و بخش‌هایی از دهه ۳۰، به طور قابل توجهی از سه مورد آثار منتشر شده متأثر شده‌اند که آشکارا جزء موارد انتشاراتی حوزه برنامه درسی نیستند ولی در عین حال دارای اشارات ضمنی قابل توجهی در حوزه برنامه درسی هستند. مورد اول شامل انتشار مجدد یک مقاله مربوط به کلیاتریک در سال ۱۹۱۸ با عنوان «روش پروژه‌ای»<sup>۷</sup> بود. آنچه‌آنکه از عنوان مقاله مشخص است، این نوشته دارای ارزش کاربردی بسیاری برای رویکرد تجربه‌گرایی در دهه ۱۹۲۰ بود. دو اثر دیگر در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ منتشر شدند: اولی توسط موریسون با عنوان «عمل تدریس در مدارس متوسطه»<sup>۸</sup> بود که دارای منطق عملی جهت برنامه درسی ساختارمند در رشته‌های درسی و تحصیلی می‌باشد. دیگری مقاله‌ای از کلیاتریک بود با عنوان «مبانی روش»<sup>۹</sup> بود. تبعات این آثار سه گانه را می‌توان به طور برجسته در کتاب‌های منتشر شده در حوزه برنامه درسی در دهه ۱۹۳۰ مشاهده کرد.

نوشته‌های کلیاتریک، راگ و هاپکینز جزء برجسته‌ترین آثار تجربه‌گرایان در دهه ۳۰ بود. کلیاتریک (۱۹۳۶) کتابچه‌ای در دفاع از برنامه درسی بر اساس تفسیر دیویی از تعلیم و تربیت نوشت. از کسانی که مطالعات خود را در بستر اندیشه تجربه‌گرایی شکل دادند می‌توان به کلمنت (۱۹۳۱)، استیون (۱۹۳۱)، هیسونگ (۱۹۳۲)، آدامز (۱۹۳۴) و... اشاره کرد؛ اما تلاش عالمانه‌ای که دیویی برای روشن ساختن اندیشه خود در کتاب «راه خروج از آشفتگی آموزشی»<sup>۱۰</sup> انجام داد با اقبال چندانی مواجه نشد. در سال ۱۹۳۲ کانتز اسنتتاج جدیدی از اندیشه دیویی ارائه نمود. در اینجا او سؤال مشهور خود - که عنوان کتابش هم هست - را مطرح کرد: «آیا مدارس نظم جدید اجتماعی را خواهند ساخت؟»<sup>۱۱</sup> این فعالیت راه را برای تفسیر اهداف برنامه درسی تجربه‌گرایان با تکیه بر تحول اجتماعی هموار ساخت. در این دهه گونه‌های دیگری از تجربه‌گرایی ظهور پیدا کرد که غالباً با اندیشه‌های دیویی قرابت داشتند. جرج کویی (۱۹۳۲) تجربه‌گرایی را از دیدگاه پروتستان لیبرال تحلیل نمود که تا حدود بسیار زیادی با ایده ویلیام باور (۱۹۲۹) همخوانی داشت. تلاش‌های دیگری که در راستای ترجمان اندیشه دیویی جهت راهنمایی برنامه ریزان درسی تجربه‌گرا و معلمان انجام گرفت کارهایی بود که با عناوینی چون «زندگی آمریکایی و برنامه درسی مدرسه»<sup>۱۲</sup> اثر راگ در سال ۱۹۳۶؛ آثار آکستل، کاسول، و کانتز و همچنین آثار هاپکینز (۱۹۳۷) که به منظور تبیین معنا و کاربرد تلفیق، صورت گرفته بودند. آثار دیگری که در این فاصله زمانی در عرصه برنامه درسی ظهور یافتند عبارتند از سی و هشتمین سالنامه انجمن ملی مطالعات آموزش و پرورش<sup>۱۳</sup> در سال ۱۹۳۹ که اختصاص داده شده به بررسی ارتباط بین رشد کودک و برنامه درسی برگرفته از اندیشه هربارتی و همچنین سالنامه سوم انجمن دیویی که به بررسی رابطه بین برنامه درسی و دموکراسی پرداخته است.

1. *Finnegan's Wake*
2. *The Good Earth*
3. *Pearl Comfort Sydenstricker Buck*
4. *Social Behaviorist*
5. *Experientialist*
6. *Intellectual Traditionalists*
7. *The Project Method*
8. *The Practice Of Teaching In The Secondary School*
9. *Foundations Of Method*
10. *The Way Out of Educational Confusion*
11. *Dare the School Build a New Social Order*
12. *American Life And The School Curriculum*
13. *The Thirty Eighth Yearbook Of The National Society For The Study Of Education*

دیویی هم کتاب «تجربه و آموزش»<sup>۱</sup> را برای توضیح اندیشه‌های خود و روشن شدن برداشت‌های نادرست از افکارش در سال ۱۹۳۶ نوشت. همچنین او در سال ۱۹۳۴ کتاب «هنر به مثابه تجربه»<sup>۲</sup> را نوشت که در آن دیدگاه‌های روشنگرانه خود در خصوص آموزش و پرورش (در وسیع ترین مفهوم آن) را در قالب عرصه زیباشناسانه ارائه کرد. فیلیپ جاکسون (۱۹۹۸) اخیراً توضیحی بر بخش‌هایی از این کتاب نوشته است. دیوئی همچنین در کتاب «تجربه و آموزش و پرورش»<sup>۳</sup> موجزترین نوشته خود برای توضیح افکار و اندیشه‌هایش را ارائه می‌دهد. او در این کتاب تلاش می‌کند تا به طور اختصار ایده‌های خود را در مورد «عمل تربیت» توضیح دهد. در این کتب ما شاهد نوعی مبارزه و تقابل بین اندیشه پیشرفت‌گرایی و سنت‌گرایی هستیم، تقابلی که در زمان‌های مختلف از عمر رشته برنامه درسی تکرار شد، به طور مثال تقابل بین آموزش آزاد و آموزش سنتی در دهه ۱۹۶۰؛ تقابل انسان‌گرایان با جهت‌گیری «بازگشت به پایه‌ها»<sup>۴</sup> در دهه ۱۹۷۰؛ تقابل ایده «ملتی در خطر»<sup>۵</sup> با «فرزندانمان در خطر»<sup>۶</sup> در دهه ۱۹۸۰ را می‌توان ذکر کرد. از جمله آثار ارزشمند و بنیادی دیگر در برنامه درسی که در دهه ۱۹۳۰ نگاشته شد می‌توان به این موارد اشاره کرد: «مبانی ساخت برنامه درسی»<sup>۷</sup> اثر نورتون و نورتون که در سال ۱۹۳۶ نوشته شد؛ «برنامه ریزی درسی»<sup>۸</sup> اثر کاسول و کمبل که در سال ۱۹۳۵ نوشته شد و محتوای آن شامل مواردی چون: مدرسه در دنیای معاصر، مسؤلیت اجتماعی مدارس، اصول برنامه‌ریزی درسی، دامنه و اهداف برنامه درسی، انتخاب موضوعات درسی، فرایندهای تدریس، ارزشیابی، سازماندهی و مدیریت برنامه درسی و ... بود. نکته نهایی اینکه استفاده از اصطلاح «برنامه ریزی درسی» در دو دهه بعدی به امری بسیار معمول تبدیل شد به طوری که این اصطلاح مترادف با مطالعات برنامه درسی به کار برده می‌شد.

### طبقه بندی موضوعی آثار

طبقه بندی مطالعات برنامه درسی بر اساس دوره‌های تحصیلی (مقاطع تحصیلی) که از دهه پیش شروع شده بود در دهه ۱۹۳۰ هم با گستردگی بیشتر ادامه پیدا کرد. برنامه درسی مدارس ابتدایی به طور جداگانه‌ای مرکز توجه و مطالعه برخی نویسندگان بود که می‌توان به کاسول (۱۹۳۰)، فیلیپس (۱۹۳۱)، استیون (۱۹۳۱) و وود (۱۹۳۴) اشاره کرد. برنامه‌های درسی به عنوان حوزه مطالعاتی مورد توجه افرادی چون لول (۱۹۳۲)، ورسینگ و ریساردی (۱۹۳۲) و پروسر (۱۹۳۹) قرار داشت. برنامه درسی متوسطه که در دهه پیش بسیار بر آن تأکید می‌شد، توسط هارینگتون (۱۹۳۰) مجدداً مورد مطالعه قرار گرفت؛ اما ساخت و طراحی برنامه‌های درسی در مراکز دانشگاهی هم در این دهه بسیار مورد توجه بود.

برخی دیگر از آثار در این دوره به مبحث «مبانی برنامه‌های درسی» پرداختند. مک کال در سال ۱۹۳۰ به بررسی «مبانی مفهومی برنامه درسی» از ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۰ پرداخت. بوسنر (۱۹۳۲) گونه‌ای از برنامه درسی را طراحی کرد که مبنای آن درک برنامه‌ریز از نیازهای زندگی است. میلیگان (۱۹۳۷) به بررسی رابطه بین دیدگاه‌های فلسفی در مورد محتوای برنامه و چگونگی طراحی فعالیت‌های یادگیری پرداخت. او به بررسی «مبانی فلسفی» تعیین و طراحی فعالیت‌های یادگیری پرداخت. «تلفیق»<sup>۹</sup> باعث شد تا یک معنای کاملاً متفاوت از برنامه درسی در دهه ۱۹۳۰ ارائه گردد. مفهوم تلفیق ریشه در افکار دیویی و دیگر مربیان تجربه‌گرا دارد. برداشت دیویی از تلفیق این بود که برای رسیدن به وحدت فکری باید زندگی مدرسه‌ای را با تجارب خارج از مدرسه تلفیق نمود. گرایش به تلفیق در آثار تاتل (۱۹۳۶)، انجمن ملی آموزش معلمان انگلیسی (۱۹۳۶)، کانلی (۱۹۳۷) و ویکس (۱۹۳۸) نیز قابل مشاهده است.

تلاش‌هایی که در عرصه برنامه درسی در دهه ۳۰ انجام شد در برگیرنده رویکردهای مختلفی بود که می‌توان آنها را در قالب «رویکردهای فلسفی تا فرایندی»<sup>۱۰</sup> و از «رویکرد تفسیری تا عمل محور»<sup>۱۱</sup> طبقه بندی کرد. همین تنوع در دیدگاه‌ها باعث شده تا موریسون بر تدریس و کلیاتریک بر روش تأکید کند ولی در نهایت هر دو به شکل گرفتن برنامه درسی به عنوان یک حوزه موضوعی و

1. Experience And Education
2. Art As Experience
3. Experience And Education
4. Back To Basics
5. A Nation At Risk
6. Our Children At Risk
7. Foundations Of Curriculum Building
8. Curriculum Development
9. Integration
10. Philosophical To The Procedural
11. Interpretative To Action-Oriented

تخصصی کمک کنند. به همین دلیل در مطالعه ادبیات برنامه درسی طبقه بندی‌های دیگری همچون تدریس، آموزش، روش‌ها، مواد درسی و آموزشی، مدیریت و رهبری برنامه درسی، سازماندهی برنامه درسی و حتی مفهوم فعالیت‌های فوق برنامه مطرح می‌شود. به عنوان مثال فیلیپس (۱۹۳۱) بر روش‌ها، استراتژیک (۱۹۳۱) بر مواد درسی، برور (۱۹۳۲) بر نظارت و راهنمایی، تریلینگام (۱۹۳۴) بر سازماندهی و مدیریت برنامه درسی، جونز (۱۹۳۵) و مک‌وان (۱۹۳۸) بر فعالیت‌های فوق برنامه، استالی (۱۹۳۵) بر ورزش، و این (۱۹۳۷) بر عنصر معلم، هاپکینز (۱۹۳۸) بر دانش آموز و معلم و ملوین (۱۹۳۹) بر معلمان و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی تأکید داشته اند. نکته‌ای که در ادبیات برنامه درسی در این دهه وجود دارد این است که اگرچه ماهیت پژوهش در برنامه درسی کاملاً مشخص بود اما تعریف آن به عنوان حوزه‌ای از مطالعات هنوز در هاله‌ای از ابهام بود.

### جمع بندی

بر اساس سه جریان فکری - که قبلاً اشاره شد - در این دهه فعالیت‌های ارزشمندی انجام گرفت. رفتارگرایی اجتماعی خود را در آثار روس فاینی (۱۹۳۳) در خصوص فلسفه اجتماعی آموزش؛ چارترز (۱۹۳۸) که اولین برنامه مبتنی بر «انطباق زندگی»<sup>۱</sup> یا همان برنامه درسی زندگی را ارائه نمود، بازنمایی می‌کرد. می‌توان گفت که اندیشه رفتارگرایی اجتماعی در این دوره، حداقل به طور موقت، فروکش کرد یا بهتر است بگوییم که با رویکرد تلفیقی که خواهان ترکیب نظریه و عمل بود ترکیب شد و طرفداران این رویکرد دیگر به صورت جداگانه فعالیت‌های نداشتند. رویکرد سنت‌گرای عقل‌گرا این ادعا را ترویج می‌کردند که برنامه درسی رشته محور نه تنها منسوخ نشده و بلکه در قالب‌های جدید به طور گسترده هنوز کاربرد دارد. هرمان هورن پاسخ انتقادی شدیدی به افکار دیویی در کتاب «فلسفه دمکراتیک تعلیم و تربیت» داد. برتراند راسل در کتاب «آموزش و پرورش و دنیای مدرن»<sup>۲</sup> به ارائه یک اندیشه محافظه کارانه به تربیت در راستای بهبود جوامع پرداخته اما همزمان نگرش بنیادگرایانه و بحث انگیز در خصوص چگونگی رفتار جنسی و وفاداری مذهبی، مطرح می‌کند. باگلی (۱۹۳۴) کمیته‌ای تشکیل داد متشکل از سنتگرایان که در نهایت یک مرام نامه تدوین کردند که مستقیماً با اندیشه‌های جنبش پیشرفتگرایی در تناقض بود؛ اما سومین گروه یعنی تجربه‌گرایان؛ مجموعه‌ای منسجم از ادبیات برنامه درسی در دهه ۳۰ را شکل دادند به طوریکه این دهه را اثرگذارترین دهه در عمر این جریان می‌نامند، هرچند که برخی از نویسندگان تجربه‌گرا به اصول بنیادین هربارتی و دیویی پایبند نبودند. نمود بیرونی این جریان در حوزه برنامه درسی و آموزش متشکل از گروه «پیشرفت-گرایان»<sup>۳</sup> بودند که باعث شدند تا همبستگی بین برنامه‌های درسی، روش پروژه محور، روش مبتنی بر واحدهای درسی و موضوعی را ارتقاء بخشند. آنچه این گروه ادعا می‌کرد را در عبارت مشهور دیویی یعنی «یادگیری از طریق انجام دادن»<sup>۴</sup> می‌توان خلاصه کرد. این رویکرد از اصول و روش‌های آموزش پیشرفت‌گرایانه استفاده می‌کرد.

### Reference

Schubert, W. et al. (2002). *Curriculum Books: The First Hundred Years*, 2<sup>nd</sup> edition, New York: Peter Lang publication. Chapter four: Curriculum Literature And Context(1930-1939)

1. Life Adjustment
2. Education and the Modern World
3. progressivism
4. learning by doing